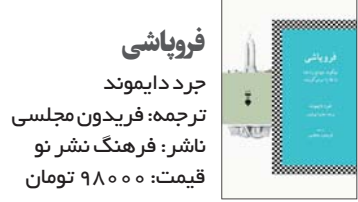


مرور

فروپاشی: داستان گذشته و آینده جهان

● آسیب‌های زیست‌محیطی، تغییرات آب‌وهوایی، جهانی‌شدن، رشد سریع جمعیت و تصمیم‌های سیاسی نابخردانه همه عواملی بوده‌اند که در سراسر دنیا باعث فروپاشی جوامع شده‌اند، اما بعضی جوامع با چاره‌اندیشی‌های مناسب راه بقا را در پیش گرفتند. در کتاب «فروپاشی»، نویسنده به یافتن الگوی بنیادین معضلات جدی و نابودگر محیط زیست می‌پردازد و با استفاده از رشته‌ای از روایت‌های فرهنگی و تاریخی، نظریه‌ای فراگیر و جهانی ارائه می‌دهد. جرد دایموند در کتاب «فروپاشی: چگونه جوامع راه بقا یا بقا را برمی‌گزینند»، برای درک فروپاشی‌های اجتماعی که مسائل زیست محیطی در آنها نقش اساسی دارد از روش‌های قیاسی استفاده می‌کند. دایموند در کتاب «اسلحه، میکروب و فولاد: سرنوشت جوامع بشری» روش مقایسه‌ای را در جهت خلاف این موضوع به کار برده بود: سرنوشت جوامع انسانی در قاره‌های مختلف طی ۱۳ هزار سال گذشته. درعوض در کتاب حاضر که بیشتر بر فروپاشی‌ها تمرکز دارد تا بر شکل‌گیری‌ها، بسیاری از جوامع گذشته و حال را با یکدیگر مقایسه کرده است که از لحاظ آسیب‌پذیری زیست‌محیطی، روابط با همسایگان، نهادهای سیاسی و سایر متغیرهای «دریافتنی» یا درونی ضروری برای تأثیرگذاری بر ثبات یک جامعه تفاوت دارند. متغیرهای «خروجی» یا بیرونی که بررسی می‌کند شامل فروپاشی یا بقاست- و همین‌طور نحوه فروپاشی درصورتی‌که اتفاق افتاده باشند. هدف از ربط‌دادن عوامل متغیر بیرونی به متغیرهای درونی شناسایی تأثیر متغیرهای دریافتنی احتمالی بر فروپاشی‌هاست.

بخش یک کتاب شامل تک فصلی طولانی درباره مسائل زیست محیطی جنوب غربی ایالت مونتانا در آمریکااست. مونتانا از این مزیت برخوردار است که جامعه‌ای امروزی و جهان اولی به شمار می‌آید ولی ضمن اینکه مسائل زیست محیطی و جمعیتی آن واقعی است در مقایسه با بیشتر



فروپاشی

جرد دایموند

ترجمه: فریدون مجلسی
ناشر: فرهنگ نشر نو
قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

جوامع دیگر جهان اول، درس‌هایش نسبتاً خفیف‌تر است. بخش دو که در مورد جوامع باستانی است با چهار فصل مختصرتر آغاز می‌شود. آنها جوامعی کوچک و بیرومقایی به‌شمار می‌رفتند و برخی از لحاظ جغرافیایی محصور یا از لحاظ اجتماعی منزوی یا در محیط‌های زیستی آسیب‌پذیر بودند. یک فصل درباره مایاها یعنی پیشرفته‌ترین جامعه بومیان آمریکااست و دو فصل بعد پیچیده‌ترین مورد فروپاشی‌های ماقبل تاریخ را عرضه می‌کنند. بخش دوم با سه جامعه دیگر به پایان می‌رسد که مانند ایسلند به عنوان مواردی متضاد در شناخت جوامعی که شکست خوردند، مؤثرند. نویسنده در بخش سوم به جوامع امروزی می‌رسد و جوامعی مثل رواندا، چین و استرالیا را بررسی می‌کند و در بخش نهایی، درس‌های عملی از تجربه‌های پیشین را برای جامعه امروز تشریح می‌کند. دایموند در این بخش پرسشی را مطرح می‌کند که درباره همه جوامع پیشین که کارشان به ویران کردن خودشان انجامیده مصداق دارد و اگر ما نیز کارمان به نابودکردن خود بینجامد، صادق خواهد بود: چگونه ممکن است جامعه‌ای نتوانسته باشد خطراتی را ببیند که در روجع به گذشته برایش بسیار روشن به نظر می‌رسد. آیا نمی‌توانیم بگویم که فرجام این جوامع ناشی از قصور خودشان بوده است یا قربانیان کم‌اقبال درگیر مسائلی لاینحل بوده‌اند؟ آسیب زیست‌محیطی پیشین تا چه اندازه غیرعمدی و نامحسوس و تا چه میزان عمدی و حاصل اعمال مردمانی بوده که از عواقب آن ناگهی کامل نداشته‌اند.

بخش آخر به درس‌های عملی می‌پردازد و به نقش کسب‌وکارهای جدیدی اشاره می‌کند که برخی از آنها به لحاظ زیست‌محیطی در شمار مخرب‌ترین کارهای امروزی‌اند. درحالی‌که برخی دیگر شماری از مؤثرترین حفاظت‌های زیست‌محیطی را فراهم می‌آورند. نویسنده در این بخش بررسی می‌کند که چرا برخی از کسب‌وکارها منافع خود را در این می‌بینند که حافظ محیط زیست باشند و از سویی چه تدابیری لازم خواهد بود تا سایر کسب‌وکارها نیز ترغیب شوند اینان را سرمشق قرار دهند. در نهایت در فصل آخر خلاصه‌ای از انواع خطرات زیست‌محیطی ارائه می‌شود که جهان معاصر با آن روبرو است؛ از جمله رایج‌ترین مخالفت‌های مطرح شده علیه جدی‌بودن واقعی آن خطرها و تفاوت میان خطرات زیست‌محیطی پیش روی جوامع امروزی با موارد خطرناکی که جوامع پیشین با آنها مواجه بودند. نویسنده همچنین در این بخش به بررسی فروپاشی جوامع، در پرتو نظم جدید جهانی سازی می‌پردازد که به زعم او هم معطوف به بدبینی نسبت به توانایی ما در حل مسائل جاری زیست محیطی و هم معطوف به خوش‌بینی دراین‌باره است و در بطن قوی‌ترین دلایل اصلی قرار دارد. درپدیده جهانی‌شدن، فروپاشی جوامع امروزی را در وضعیتی انزوا و تهیاماندگی آنچنان‌که در گذشته رخ داده نامکن می‌کند.

اندیشه

چگونه کووید- ۱۹ جهان را تغییر می‌دهد و بهتر می‌کند؟

مردم در سراسر جهان به‌ناچار اذعان می‌کنند که همه ما با تهدیدی مشترک روبه‌رویم؛ تهدیدی که یک کشور به‌تنهایی نمی‌تواند از پس آن برآید



جرد دایموند، نویسنده کتاب «فروپاشی: داستان گذشته و آینده جهان»

زیاد است که این خودخواهی در سطح بین‌المللی نیز وجود داشته باشد. کشوری که واکنشی را می‌سازد، به‌قطع یقین نخست آن را برای شهروندان خود در نظر می‌گیرد. چنین اولویت‌بندی‌هایی هم‌اکنون در ارتباط با ماسک انجام شده است: چند ماه پیش که ماسک کمیاب بود و محموله‌هایی از آن از چین به اروپا رسید، جنب‌وجوش و جنگ مناقصه‌ها درگرفت، چون هر کشوری دربی اختصاص آن محمولات به خود بود. بدتر اینکه کشورهایی که واکنس می‌سازند آن را از دسترس رقبای سیاسی و اقتصادی خود دور نگه می‌دارند. هرچند وخیم فروکش کرده باشد، چگونه خواهد بود؟ این فرض همه‌گستر خودپسندانه انتحارگونه است. حتی در کوتاه‌مدت نیز هیچ کشوری نمی‌تواند با دفع این بیماری در درون مرزهای خود، به مصونیت ماندگار از کووید-۱۹ دست یابد. در دنیای جهانی‌شده کنونی، کووید-۱۹ از کشورهایی که ویروس را نابود نکرده‌اند، به درون چنان کشوری برمی‌گردد. چنان اتفاقی هم‌اکنون در نیوزیلند و ویتنام افتاده که با تدابیر سفت و سخت انتقال داخلی آن را متوقف کردند، اما مسافران بازگشته از خارج به واردکردن موارد جدید کووید-۱۹ ادامه دادند. این یک نتیجه‌گیری کلیدی را به ما نشان می‌دهد: هیچ کشوری از کووید-۱۹ مصون نخواهد ماند، مگر آنکه همه مصون شوند. این درعضلی جهانی است که چاره‌ای جهانی می‌طلبد.

مرگ سریع، مرگ تدریجی

پس درحالی‌که در برابر تهدید ملایم‌تر کووید-۱۹ دست‌به‌کار شده‌ایم، چرا در مقابل تغییرات آب‌وهوایی و دیگر تهدیدات جهانی اقدام نمی‌کنیم؟ پاسخ روشن است: کووید-۱۹ با بیمارکردن یا کشتن سریع و قاطع قربانیان خود (طی چند روز یا هفته) توجه ما را به خود جلب کرده است. در مقایسه، تغییرات آب‌وهوایی به‌تدریج و به‌صورتی کمتر آشکار ما را با پیامدهایی مانند کاهش تولید مواد غذایی، گرسنگی، رویدادهای شدید آب‌وهوایی و گسترش و سرایت بیماری‌های ویژه حاره‌ای به مناطق معتدل نابود می‌کند. به این ترتیب، ما در تشخیص تغییرات آب‌وهوایی به‌مثابه یک تهدید جهانی که نیاز به پاسخی جهانی دارد، کند عمل کرده‌ایم.

به‌همین‌دلیل، حتی در شرایطی که سوگوار دوستان از‌دست‌رفته عزیز برائث ابتلای به کرونا هستیم، این همه‌گیری به ما این امید را می‌دهد که برای نخستین‌بار در تاریخ جهان مردم سراسر این سیاره ناچار از اذعان به این شوند که ما همه با یک تهدید مشترک روبه‌رویم که هیچ کشوری به‌تنهایی از پس آن برنمی‌آید. اگر مردم سراسر جهان به‌اجبار به هم ملحق شوند تا کووید-۱۹ را شکست دهند ممکن است یک درس را فراگیرند: آنها ممکن است پراکنیخته شوند که باز هم به‌اجبار به‌هم ملحق شوند و نه مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی، تهی‌سازی منابع و نابرابری بپردازند. در آن صورت، کووید-۱۹ برای ما نه‌تنها ترازدی که با قراردادن مردم جهان در مسیری پایدار، رستگاری خواهد آورد. **•این یادداشت در ژانویه ۲۰۲۱ منتشر شده است**

منبع: پروجکت سیندیکت

خبر خوب این حقیقت را به‌فال نگیریم. ما با معضلات جهانی دیگری نیز دست‌به‌گریبایی‌که راه‌حل‌های جهانی را می‌طلبد: به‌ویژه تغییرات آب‌وهوایی، تهی‌سازی جهان‌گستر منابع و پیامدهای ثبات‌زدای نابرابری در بین کشورها در دنیای جهانی‌شده ما. همان‌طورکه هیچ کشوری نمی‌تواند با نابودی ویروس در داخل مرزهایش خود را برای همیشه از شر کووید-۱۹ رها کند، هیچ کشوری نمی‌تواند صرفاً با کاهش اتکا به سوخت فسیلی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشور خود از تغییرات آب‌وهوایی مصون بماند. اکسید کربن انباشته در جو زمین، همچون کووید-۱۹، مرزهای سیاسی را برنمی‌تابد. اما تغییرات آب‌وهوایی، تهی‌سازی منابع و نابرابری تهدیدهایی به‌مرابت

تاکون نشانه‌های بسیاری از یک بدترین سناریوی در حال تکوین دیده می‌شود. حتی اگر برخی کشورها واکنس مؤثری را تهیه، آزمایش و شروع به پخش آن کرده باشند، مقادیر کافی واکنس برای جمعیت ۷.۷ میلیاردی جهان یک شبه قابل تولید و توزیع نیست.

عرضه واکنس در آغاز کمیاب خواهد بود. چه کسانی نخست از این واکنس مطمع نظر بهره‌مند خواهند شد؟ عقل سلیم می‌گوید که نخستین مقادیر باید به کارکنان بخش درمان و پزشکی تعلق گیرد، زسرا دیگران همه به آن کارکنان پزشکی نیاز دارند تا واکنس را به بقیه تلفیح و از بیماران مراقبت کنند. در میان آن دسته از ما که در زمره کارکنان پزشکی و درمانی نیستیم، انتظار می‌رود که افراد توانگر و صاحب نفوذ پیش از فقرا و افراد بی‌نفوذ راه‌هایی برای دست‌یافتن به واکنس پیدا کنند؛ اما آن ملاحظات خودخواهانه فقط درباره تخصیص واکنسن در داخل یک کشور صادق نیست، بلکه احتمال آن

در سایر کشورها نیز به‌این‌صورت خواهد بود.

● **مردم در سراسر جهان به‌ناچار اذعان می‌کنند که همه ما با تهدیدی مشترک روبه‌رویم؛ تهدیدی که یک کشور به‌تنهایی نمی‌تواند از پس آن برآید**

ترجمه: شهریار خواجهیان

ناشر: فرهنگ نشر نو

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

فروپاشی

جرد دایموند

ترجمه: فریدون مجلسی

ناشر: فرهنگ نشر نو

قیمت: ۹۸۰۰۰ تومان

فروپاشی

جرد دایموند

● آسیب‌های زیست‌محیطی، تغییرات آب‌وهوایی، جهانی‌شدن، رشد سریع جمعیت و تصمیم‌های سیاسی نابخردانه همه عواملی بوده‌اند که در سراسر دنیا باعث فروپاشی جوامع شده‌اند، اما بعضی جوامع با چاره‌اندیشی‌های مناسب راه بقا را در پیش گرفتند. در کتاب «فروپاشی»، نویسنده به یافتن الگوی بنیادین معضلات جدی و نابودگر محیط زیست می‌پردازد و با استفاده از رشته‌ای از روایت‌های فرهنگی و تاریخی، نظریه‌ای فراگیر و جهانی ارائه می‌دهد. جرد دایموند در کتاب «فروپاشی: چگونه جوامع راه بقا یا بقا را برمی‌گزینند»، برای درک فروپاشی‌های اجتماعی که مسائل زیست محیطی در آنها نقش اساسی دارد از روش‌های قیاسی استفاده می‌کند. دایموند در کتاب «اسلحه، میکروب و فولاد: سرنوشت جوامع بشری» روش مقایسه‌ای را در جهت خلاف این موضوع به کار برده بود: سرنوشت جوامع انسانی در قاره‌های مختلف طی ۱۳ هزار سال گذشته. درعوض در کتاب حاضر که بیشتر بر فروپاشی‌ها تمرکز دارد تا بر شکل‌گیری‌ها، بسیاری از جوامع گذشته و حال را با یکدیگر مقایسه کرده است که از لحاظ آسیب‌پذیری زیست‌محیطی، روابط با همسایگان، نهادهای سیاسی و سایر متغیرهای «دریافتنی» یا درونی ضروری برای تأثیرگذاری بر ثبات یک جامعه تفاوت دارند. متغیرهای «خروجی» یا بیرونی که بررسی می‌کند شامل فروپاشی یا بقاست- و همین‌طور نحوه فروپاشی درصورتی‌که اتفاق افتاده باشند. هدف از ربط‌دادن عوامل متغیر بیرونی به متغیرهای درونی شناسایی تأثیر متغیرهای دریافتنی احتمالی بر فروپاشی‌هاست.

بخش یک کتاب شامل تک فصلی طولانی درباره مسائل زیست محیطی جنوب غربی ایالت مونتانا در آمریکااست. مونتانا از این مزیت برخوردار است که جامعه‌ای امروزی و جهان اولی به شمار می‌آید ولی ضمن اینکه مسائل زیست محیطی و جمعیتی آن واقعی است در مقایسه با بیشتر

مردم در سراسر جهان به‌ناچار اذعان می‌کنند که همه ما با تهدیدی مشترک روبه‌رویم؛ تهدیدی که یک کشور به‌تنهایی نمی‌تواند از پس آن برآید

مرور

بحران‌های حال و آینده

● در ایامی که بیماری کووید۱۹ بزرگ‌ترین بحران را بعد از جنگ جهانی دوم رقم زده، خواندن کتاب «آشوب: نقاط عطف برای کشورهای بحران زده» نوشته جرد دایموند می‌تواند نمایی کلی‌تر از نوع مواجهه برخی از کشورها با بحران‌های مهم و تاریخ‌ساز خود به دست دهد. دایموند کتاب «آشوب» را در سال ۲۰۱۹ نوشت. این کتاب به بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای، روایی و اکتشافی مهم‌ترین بحران‌ها و تغییرات زمینشی می‌پردازد که طی چند دهه در هفت کشور (فلاندر، ژاپن، شیلی، اندونزی، آلمان، استرالیا و ایالات متحده) رخ داده‌اند. این کتاب محصول تجربه زیست نویسنده در مدت ۶۰ سال در این هفت کشور است. دایموند با طرح بحران‌های فردی و نقاط عطف آن و نیز پیوندزن این بحران‌ها با بحران‌های حکومت‌ها در سطح ملی، سعی کرده تصویری متفاوت از نحوه و چگونگی مدیریت بحران در این هفت کشور به دست دهد. به‌زعم دایموند بحران‌ها می‌توانند فردی باشند و یا ملی و این «بحران‌ها (در سطح فردی) ممکن است ناشی از فشارهای بیرونی از قبیل تنهاتشدن فرد به علت ترک همسر یا بیهوشدن او یا (در سطح ملی) دچارشدن یک کشور به جنگ داخلی طولانی رخ دهند» (ص ۱۸). افراد و کشورهای بحران‌زده ناچارند ارزیابی صادقانه‌ای از توانایی‌ها و ارزش‌های خود به عمل یابورند تا بتوانند تصمیم بگیرند که کدام‌یک از داشته‌هایشان همچنان سودمند بوده و کدام‌یک ناسودمند و باید تغییر پیدا کنند.

پس از فصل اول که مربوط به مسائل و بحران‌های شخصی است دایموند در فصل دوم به بحران فلاندر می‌پردازد که از حمله سه‌مگین اتحاد جماهیر شوروی در جنگی موسوم به «جنگ زمستان» به آن کشور به انفجار رسید. میراث «جنگ زمستان» یک تغییر فاشش بود که فلاندر را به یک‌یک مردم‌سالاری آزادی‌اندیش کوچک و مرفه تبدیل کرد که در سیاست خارجی‌اش به دنبال هر کاری بود تا اعتماد حکومت شوروی را جلب کند. نمونه بعدی بحران ناشی از تکانه‌ای بیرونی



آشوب

جرد دایموند

ترجمه: املان قودجانی
ناشر: طرح نو
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

و آشوب ناگهانی مربوط به ژاپن است که فصل سوم کتاب را تشکیل می‌دهد. آن‌گونه که دایموند توضیح می‌دهد یک ناوگان جنگی ایالات متحده در سال ۱۸۵۳ به ورودی خلیج توکیو رسید و خواستار توافق و حقوق ویژه‌ای برای کشتی‌ها و ملوانان دریایی شد. از آن پس سیاست قدیمی انزواطلب ژاپنی‌ها به پایان رسید. فصل چهارم به شیلی اختصاص دارد. بحران شیلی زاده انفجاری داخلی بود؛ انفجاری ناشی از فروپاشی توازن سیاسی بین شهروندان. دولت مردم‌سالار انتخابی شیلی با ریاست جمهوری ائنده در یازده سپتامبر ۱۹۷۳ پس از سال‌ها ماندن در بن‌بست سیاسی با یک کودتای نظامی سرنگون شد. بحران‌های آندونزی موضوع فصل پنجم کتاب است. همان‌طورکه در کتاب نشان داده می‌شود در آندونزی نیز برهم‌خوردن موازنه سیاسی بین شهروندان موجب انفجار داخلی شد، که بعد از کودتای اول نوامبر ۱۹۶۵ رخ داد. دایموند نتیجه آن کودتا را در تضاد با کودتای شیلی می‌داند، چون یک کودتای دیگر منجر به قتل عام اعضای آن جناحی شد که گمان می‌شد از کودتای اول پشتیبانی می‌کرد. دو‌کشور آخر مورد بررسی آلمان و استرالیااست که موضوع فصل ششم و هفتم کتاب را تشکیل می‌دهد. به تعبیر دایموند بحران‌های این کشورها به‌تدریج شکل گرفتند. ابتدا به آلمان می‌پردازد که بحران‌هایش را غیرانفجاری می‌نامند. او معتقد است آلمان در دوران پس از جنگ جهان دوم هم‌زمان با مشکلات میراث عصر نازی‌ها، عدم توافق در خصوص تشکیلات سلسله مراتبی جامعه‌اش، و ضربه روحی ناشی از دواپارگی سیاسی بین آلمان شرقی و غربی روبرو شد. مشخصه‌های متمایز رفع بحران در آلمان پس از جنگ، در چارچوب تطبیقی دایموند از این قرار است: تقابل بسیار خشن بین نسل‌ها، محدودیت‌های جدی در جغرافیای سیاسی، و فرایند آشتی بین کشورهایی که قربانی فجایع جنگی آلمان بودند. نمونه دیگر کتاب از نوع بحران‌های تدریجی و غیرانفجاری مربوط به استرالیا است.

در بخش سوم و چهارم فصل آخر کتاب به بحران‌های حال و آینده، در مقیاس داخلی و جهانی، می‌پردازد که پیامدهایشان هنوز معلوم نیست. این بخش با ژاپن شروع می‌شود که به نظر دایموند اکنون با مشکلات بسیاری روبروست. دو فصل بعدی کتاب به ایالات متحده اختصاص دارد. او در این فصول به چهار بحران اشاره می‌کند که ظرفیت بالقوه تخریب مردم‌سالاری آمریکایی و قدرت آمریکایی‌ها را دهه آینده خواهند داشت و بحرانی که به قول او بسیار شبیه به شیلی خواهد بود. این مشکلات از نظر دایموند عبارت‌اند از: اوضاع جامعه و خط مشی سیاسی داخلی، و نیز مشکلات بیرونی در حوزه روابط خارجی. نویسنده در فصل آخر به کل دنیا و بحران‌های قریب‌الوقوع جهانی می‌پردازد.